

کار خانگی، ارزش یا استثمار؟

شراره رضایی

یازدهم فروردین ماه هشتاد و هفت

موارد تبعیض آمیز و نابرابری جنسیتی بسیاری در مورد زنان جامعه ما وجود دارد که منجمله یکی از آنها بحث کار زنان خانه دار است. زنان بیشترین نیرو و انرژی را صرف انجام امور کارهای خانه می کنند بطوری که قبل از همه افراد خانواده از خواب بیدار می شوند و پس از اتمام تمامی کارهای روزانه آخرین نفری هستند که به رختخواب می روند و در تمام عمرشان بدون داشتن حتی یکروز تعطیلی و یا ساعتی استراحت، بطور تمام وقت از طلوع آفتاب تا آخرین ساعات شب دائما درحال رفت و روب، شستشو، پخت و پز، جاروکردن، اطوکردن لباس ها، بچه داری و می باشد، بدون اینکه در ازای اتلاف و از دست دادن این مقدار انرژی و نیروی بدنی که ۱۲ الی ۱۵ ساعت تمام در روز است توسط کسی خریداری شود و بابت آن پولی دریافت کنند و دقیقا به همین دلیل عدم دریافت دستمزد، کار خانگی، جزو تعریف کار محسوب نمی شود.

کار: نیروی بدنی است که کارگر در ازای دریافت مبلغی به کارفرما می فروشد، نه در ازای مقدار کار انجام شده. همچنین بنا بر تعریف ارائه شده مرکز آمار ایران، خانه دار فردی است که شاغل بیکار جویای کار و محصل به حساب نمی آید بنابراین خانه داری جزء مشاغل محسوب نمی گردد و در تقسیم بندیهای آماری و جمعیتی موجود، خانه داران بخشی از جمعیت غیرفعال محسوب می شوند.

در گذشته اربابان و زمین دارها، بردها را به بهایی خریداری می کردند و از آن پس اربابان هرطور که می خواستند از بردگان خود کار می کشیدند و با او رفتار می کردند بدون اینکه دستمزدی به آنان پرداخت کنند و تنها غذا و حداقل نیازهای او را برآورده می کردند تا نمیرند و انرژی برای کار و استثمار بیشتر آنان داشته باشند.

وضعیت زنان خانه دار، بی شباهت به بردگان نیست، خصوصا دختران روستایی کم سن و سالی که مجبور به ازدواج می شوند حکم همان برده هایی را دارند که هرگز حقی برای انتخاب همسر برایشان قائل نیستند و به بهایی به عنوان مهریه که مردان زندگیش برای او تصمیم می گیرند و بر سر آن معامله می کنند و با کم و زیاد کردن و چانه زنی بر سر مقداری پول (روستاها) یا کم و زیاد کردن تعداد سکه ها (شهرنشینی)، بالاخره دختر توسط شوهر آینده به بهایی خریداری می شود که در برای تمام عمر باید به صاحب و مالکی بنام شوهر خدمت کند و با ورود به عالم شوهر داری یکسری مسئولیت هایی برای او به عنوان وظیفه ی اصلی زن و وظایف مادری برایش تعریف می شود و از آنجا که زنان خانه دار هیچ منبع درآمدی ندارند و در خانه شوهر غذا می خورد، لباس و نیازهای اولیه اش توسط شوهر برآورده می شود بعنوان یک مصرف کننده به او نگاه می کنند و تا جایی که به خود زنان خانه دار تلقین شده و بر این باورند که شوهر نان آور خانه است و بسیاری از خشونت ها، عصبانیت های ناشی از خستگی کار شوهر را بر خود تحمل می کنند چون خود را زیادی و نان خور می دانند. درحالیکه که اگر به کارهایی که یک زن

خانه دار در طول روز انجام می دهد نگاه کنیم از شستن ظرف و ظروف تا تمیز کردن خانه و آشپزی و ... همه و همه، اگر فردی برای انجام هر یک از این کارها بخواهد کارگری را برای یکروز استخدام کند باید مبلغی معادل حداقل ۱۰ هزار تومان (دستمزد کارگر در یک روز) و یا ماهیانه باید مبلغی معادل حداقل حقوق به او بپردازد. در حالیکه زنان هر روز بدون هیچ استراحتی بطور تمام وقت در خانه بی هیچ اجر و موایبی کار می کنند بدون اینکه از پشتوانه اقتصادی و مالی برخوردار باشند.

زنان خانه دار روستایی از ستم مضاعف تری نسبت به دیگر زنان خانه دار رنج می برند که علاوه بر انجام کارهای منزل باید پا به پای مرد در مزارع و زمین کشاورزی کار کند و حتی در اینجا با اینکه زن در عرصه تولید نقش دارد ولی باز هم از هیچ حقوق و دستمزدی برخوردار نیست.

طبق ماده ی ۱۱۰۷ ق.م ایران چیزی بنام نفقه برای زن تعیین شده که نفقه عبارتست از همه ی نیازهای متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و هر آنچه را به صورت عادت یا احتیاج لازمه ی زندگی وی باشد.

که البته پرداخت نفقه از سوی شوهر شروطی دارد که طبق ماده ی ۱۱۰۸ ق.م ایران، می گوید هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. طبق این ماده عدم تمکین مجوزی برای ندادن نفقه است در اصطلاح قانونی، تمکین عبارتست از: برآوردن نیازهای شوهر و اجابت کردن خواسته های مشروع او و داشتن رابطه ی زناشویی است که در صورت عدم تمکین از شوهر، زن ناشزه یا خاطی و گنه کار است و شوهر می تواند تمام نیازهای اولیه زن را قطع و از نظر قانون، زن مستحق محرومیت های اقتصادی و مالی، عدم درمان و... هرگونه تنبیه دیگر می باشد.

کار خانگی باعث شده فقر، چهره زشت و نکبت بارش را به زنان بیشتر نمایش دهد و زنان با بعهده گرفتن و انجام کارهای خانه به عنوان یک وظیفه، ایجاد فرصت هایی برای دخل و تصرف و حضور در کارهای صنعتی، اجتماعی و سیاسی را به راحتی برای مردان مهیا کرده اند. مردان با قرار گرفتن در عرصه های تولید با نیروی کارشان چیزی تولید می کنند که در بازار فروخته می شود و بابت آن دستمزد می گیرند درحالیکه کارهای خانه چیزی را برای تولید ندارد تا در بازار فروخته شود بنابراین زنان دستمزدی هم ندارند که این مسئله، زنان را از نظر اقتصادی، در موقعیتی فرودست قرار داده و از آنان یک موجود کاملا وابسته و نیازمند به مرد، بی توجه به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و موجودی بی مصرف ساخته است.

و اما این تنها بخشی از مشکلات زنان خانه دار است که با آن دست به گریبان هستند. در هنگام جدایی یا فوت شوهر، زنان به دلیل عدم آشنایی با مهارت های درآمد زا و عدم هرگونه حمایت مالی و بیمه تامین اجتماعی با مشکلات عدیده ای از جمله بی خانمانی و بی پناهی و فقر اقتصادی مواجه می شوند که برای گذران زندگیشان به تکیه گری، کارهای سخت و طاقت فرسای خدمتکاری در منازل، کارهای خسته کننده ای مثل پاک و خرد کردن سبزی، قند شکستن و پاک کردن حبوبات و ... کارهای متفرقه دیگری مثل دست فروشی روی می آورند که در تمام روز در خیابان ها و معابر برخوردارهای نامناسب و تحقیر آمیز شهروندان و یا مامورین شهرداری، سرما و گرما را برای امرار معاش به جان می خرند و تازه وقتی خسته و کوفته به محل سکونت خود برمیگردند باز هم همان کار

خانگی، دوباره تکرار شود.

گاهی در بین زنان برای تسخیر کارهای خانگی (خدمتکاری) در منازل رقابت های سنگینی درمی گیرد که باعث کاهش هزینه های دستمزد و کنار زدن رقبا و فروختن نیروی کار بدنی ارزان قیمت می شوند و در زمان سالخوردگی و یا بروز حادثه ای بدون حمایت تامین اجتماعی برای زندگی آتی دچار تنگناها و آسیب های اجتماعی شدیدی می شوند و آینده ای تیره و مبهم در انتظارشان است.

کار خانگی، آسیب های جبران ناپذیر روانی، فرسودگی جسم، انزوا طلبی و مشکلات دیگری ایجاد می کند که علاوه به مخاطره انداختن جسم و روان، زنان را از حضور در محیط های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بعنوان یک انسان اجتماعی و دخالتگر دور می کند.

در تمام دنیا زنان و کودکان خصوصا زنان خانه دار از محروم ترین کسانی هستند که از فرودستی و فقر جهان به مراتب بیشتر در رنج و ستم هستند و استثمار می شوند و متاسفانه در جهان امروز، فقر چهره ای زنانه به خود گرفته است که همگی ما برای برقراری قوانینی تلاش خواهیم کرد تا برای کار زنان خانه دار ارزش اقتصادی قائل شوند و زنان خانه دار و سرپرست خانواده همگی باید تحت پوشش بیمه های تامین اجتماعی و حمایت های مالی قرار گیرند و باید به این تبعیض و نابرابری و فقر که بیرحمانه پنجه های استثمارگرش را بر زندگی آنان فرو برده و به مخاطره انداخته است پایان داد و دولت ها موظفند امنیت اقتصادی و اجتماعی زنان خانه دار و سرپرست خانواده را تضمین و تامین نمایند.

شراره رضایی

۸۶/۱۲/۱۹

منبع: <http://kanoone.blogfa.com/post-73.aspx>